

بررسی و تحلیل کیفی انواع مدل‌های آموزش دانش آموزان دوزبانه

حمید حمادی*

علیرضا فقیهی**

محمد سیفی***

فائزه ناطقی****

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل کیفی انواع مدل‌های آموزش دانش آموزان دوزبانه است. روش پژوهش کیفی و به شیوه‌ی بررسی اسنادی است. این پژوهش از حیث هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌گردد. جامعه آماری پژوهش حاضر منابع مکتوب موجود در خصوص دوزبانگی است. ابزار مورد استفاده فیش برداری است. فیش‌ها و یادداشت‌های مکتوب جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم از منابع مکتوب، مواد دیداری و شنیداری و نرم افزارهای رایانه‌ای فضای مجازی است. روش گردآوری داده‌ها مراجعه به منابع مکتوب و کتابخانه‌ای برای بهره‌مندی از آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران و محتوای متون مربوط به تعلیم و تربیت بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که تعلیم و تربیت دوزبانه در دنیا بر اساس ۹ مدل کلی شامل: ۱. انتقالی ۲. غوطه‌ورسازی ۳. دوسویه ۴. نگهداشت ۵. پرستیژ ۶. تجدیدحیات‌غوطه‌ورسازی ۷. رشدی ۸. آموزش زبان مبتنی بر محتوا و ۹. چندزبانه صورت می‌گیرد که در این میان ۳ روش اول پرکاربردترین روشها در دنیا هستند. مشاهده رتبه تمام مدل‌های آموزش دوزبانه نشان می‌دهد که روش آموزش زبان مبتنی بر محتوا بالاترین رتبه را کسب کرده و بعد از آن روش رشدی قرار دارد و در رتبه سوم روش چندزبانه قرار گرفته است. رتبه بندی روش‌های بعدی به ترتیب عبارتند از روش دوسویه، روش نگهداشت، روش پرستیژ، روش غوطه‌ورسازی، روش انتقالی و در پایان روش تجدید حیات قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: دانش آموزان، دوزبانگی، تحلیل کیفی، مدل

* دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

A-faghghi@iau-arak.ac.ir

*** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ایران

**** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ایران

مقدمه

چگونگی ارتباط میان دوزبانگی و تعلیم و تربیت از موضوعات مهمی است که امروزه سیاستگذاران آموزشی، برنامه ریزان، روان‌شناسان، زبان‌شناسان و معلمان با آن مواجه‌اند. افت تحصیلی و عملکردهای دانش‌آموزان دوزبانه از جهتی با دوزبانگی و از جهتی با روشهای متفاوت آموزش ارتباط دارد. استفاده از روش‌های تدریس یکسان به هر دو گروه یک و دوزبانه‌ها در واقع بی‌توجهی به تفاوت‌های حاصل از امر چندزبانگی است. در شیوه‌های مرسوم در آموزش و پرورش ایران اغلب به مسائل دوزبانگی توجه کافی نمی‌شود و این عاملی مهم در افت تحصیلی و حتی کسب نتایج ضعیف دانش‌آموزان ایرانی در مسابقات بین‌المللی همچون تیمز و پرز در مقایسه با دانش‌آموزان دیگر کشورهاست. مشکلات یادگیری دانش‌آموزان علاوه بر اینکه موجب کسب نمرات پایین در درس می‌شود، باعث کاهش اعتماد به نفس، نگرش منفی نسبت به خود و مدرسه، سرخوردگی، صرف هزینه‌های زیاد جهت جبران مشکلات پیش‌آمده از طرف خانواده و سیستم آموزشی، اتلاف زمان بیشتر جهت آموزش و یادگیری توسط معلمان و والدین، ترک تحصیل، از دست دادن موقعیت‌های اجتماعی و فرصت‌های شغلی نیز می‌شود. منظور از دوزبانگی، تفاوت میان زبان مادری و زبان آموزش است و لذا دانش‌آموزی دوزبانه نامیده می‌شود که زبان تکلمی او غیرفارسی بوده به طوری که وی حل مشکلات شخصی را از طریق آن زبان با پدر و مادر خود مطرح نموده باشد، لیکن در مدرسه با زبان فارسی آموزش ببیند. ژونگ (۲۰۰۹)^۱ (به نقل از ایزدی ۱۳۸۸) تعلیم و تربیت دوزبانه را هر نوع استفاده از دوزبان در زندگی و تدریس برای اهداف اجتماعی و تربیتی دانسته است. بیکر^۲ (۲۰۰۸) معتقد است که فرد دوزبانه کسی است که می‌تواند از دو زبان در موقعیت‌های مختلف برای افراد مختلف و برای اهداف خاص استفاده کند. «گروسجین»^۳ (۱۹۸۲) طبق یک برآورد به این نتیجه رسید که حدود نیمی از جمعیت دنیا دوزبانه هستند»، این در حالی است که کریستال^۴ (۱۹۹۷) تخمین زده

1. Zhang
2. Baker
3. Grosjin
4. Crystal

است که دوسوم بچه‌های دنیا در محیط‌های دوزبانه رشد می‌کنند» (به نقل از فیاضی بارجینی، ۱۳۸۹).

«وجود زبانهای مختلف در ایران از آن کشوری چندزبانه ساخته است. آمار بالای دانش آموزان دوزبانه که در حدود نیمی از جمعیت دانش‌آموزی را شامل می‌شود هم دلالت بر جامعه بزرگ دوزبانه و هم لزوم طراحی و اعتبارسنجی مدل‌های مناسب آموزشی در مقایسه با تک‌زبانها با استفاده از تجربه‌های موفق دیگر کشورها دارد. اهمیت این مسئله زمانی مشخص می‌گردد که بدانیم بالاترین میزان افت تحصیلی، تکرار پایه، عدم ارتقا، ترک تحصیل و ... مربوط به مناطقی است که بیشترین درصد زبانهای مختلف را دارند. از طرفی زمانی که بدانیم کودکان ابتدایی از نظر آموزشی آسیب‌پذیرترین قشرهای دوزبانه هستند بیش‌ازپیش بر اهمیت لزوم طراحی برنامه درسی خاص دوزبانگی واقف می‌گردیم. با توجه به وسعت مشکلات موجود و آثار و عواقب منفی برنامه درسی یکسان برای دو و تک‌زبانها در سطح فردی و اجتماعی بر اساس تحقیقات صورت گرفته، جامعه‌ای که بچه‌های مردودی زیاد داشته باشد، جرم‌آفرین خواهد بود، اهمیت دستیابی به راهکارهای عملی بیش از پیش مطرح است» (مدرس ۱۳۸۸). برخی از پژوهش‌ها نشان دادند که دوزبانه بودن بر رشد شناختی تأثیر مثبت دارد. «کودکانی که در دو زبان سلیس هستند در آزمونهای توجه انتخابی، استدلال تحلیلی، تشکیل مفهوم و انعطاف پذیری شناختی بهتر از سایرین عمل می‌کنند. علاوه بر این، کودکان دوزبانه، از نظر توانایی تأمل کردن درباره زبان پیشرفته‌تر هستند. آنها بیشتر آگاهند که کلمه‌ها نمادهای اختیاری هستند، در مورد ساختار و جزئیات زبان آگاهی بیشتری دارند و خطاهای دستوری و معنایی در جملات شفاهی و کتبی را بهتر تشخیص می‌دهند، توانایی‌هایی که پیشرفت آنها را در خواندن، تقویت می‌کند» (برک^۱ ۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶).

کلانتری (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان لزوم طراحی برنامه درسی آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه با نیم‌نگاهی به سختی‌های آموزش فارسی به ترک‌زبانان عنوان می‌دارد که لیونگ (۲۰۰۵) معتقد بود آموزش دوزبانه در انواع وضعیت‌های تحصیلی زیر به کار می‌رود: ۱- برنامه‌های دوزبانی دوراهه یا دوطرفه ۲- برنامه

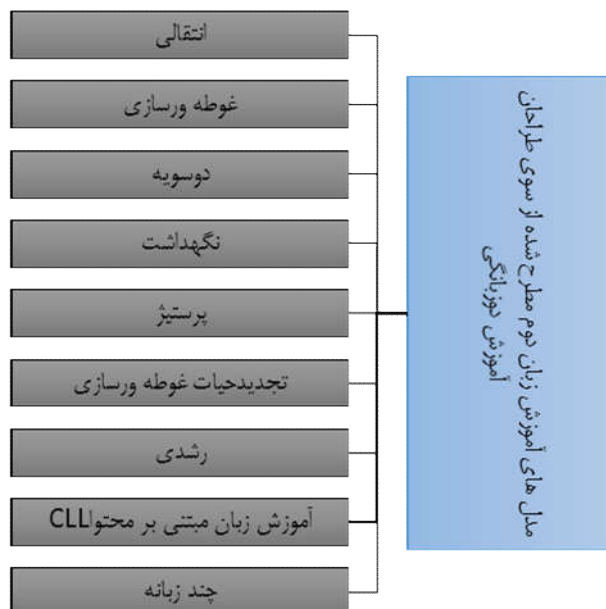
دوزبانی انتقالی ۳- برنامه‌های غوطه‌ورسازی ۴- برنامه‌های یادگیری تلفیقی محتوا و زبان ۵- برنامه مدارس بین‌المللی سرآمدان. مارتین-جونز^۱ (۲۰۰۱) به نقل از گارسیا^۲ (۲۰۰۹) به صورت کلی مدل‌های تعلیم و تربیت دوزبانی را به سه دسته اساسی تقسیم می‌نماید که عبارت‌اند از ۱- مدل انتقالی ۲- مدل نگاه‌داشت ۳- مدل پربارسازی. وی نقل می‌کند که یکی از مفصل‌ترین تقسیم‌بندی‌های اولیه را که دارای جزئیات بیشتری بود، مکی^۳ (۱۹۷۰) ارائه کرد. این گزارش ۹۰ الگوی مختلف از تحصیل به روش دوزبانه را ارائه می‌کند. (کلانتری ۱۳۸۸)

واحدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود تحت عنوان رویکردها و استراتژی‌های آموزشی دوزبانه و پیامدهای شناختی، عاطفی و اجتماعی آن انواع مدل‌های تعلیم و تربیت دوزبانه را به نقل از گارسیا و باکر (۲۰۰۶) در کتاب تعلیم و تربیت دوزبانه و دوزبانگی در سه دسته کلی ۱. تعلیم و تربیت تک‌زبانگی برای دوزبانه‌ها ۲. اشکال ضعیف تعلیم و تربیت دوزبانگی برای دوزبانه‌ها ۳. اشکال قوی تعلیم و تربیت دوزبانگی برای دوزبانگی و دوسوادی و مجموعاً ۹ مدل گزارش می‌نماید. علی‌آبادی و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان "رابطه‌ی بین کیفیت گفتار خصوصی و دوزبانگی با یادگیری زبان انگلیسی در دانش‌آموزان ۱۱-۷ ساله" انجام دادند، نتایج به دست آمده با استفاده از آزمون t مستقل نشان داد که بین میانگین نمرات زبان انگلیسی دانش‌آموزان یک زبانه (۸۶/۹۴) و میانگین نمرات زبان انگلیسی دانش‌آموزان دوزبانه (۸۸/۳۷) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p < 0.05$). برای مقایسه میانگین نمرات زبان انگلیسی دانش‌آموزان با شکل‌های مختلف گفتار خصوصی، از آزمون تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان f محاسبه شده (۹/۱۴) برای اثر گفتار خصوصی معنی‌دار است ($p < 0.01$). نتایج آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه‌های جفتی، نشان داد که معنی‌داری تفاوت موجود، مربوط است به تفاوت بین گفتار خصوصی راه‌حلی با سایر انواع گفتار خصوصی. به عبارت دیگر بین گفتار خصوصی راه‌حلی و یادگیری زبان انگلیسی رابطه وجود دارد. پژوهش‌های فراگیر و گسترده تا قبل از ۱۹۶۰ همواره پیامدهای منفی دوزبانگی را مورد تأکید و تأیید قرار

1. Martin. Jones
2. Garcia
3. Mackey

می‌داده‌اند. اما پس از آن پژوهش‌ها با نگاهی چندعاملی به پدیده دوزبانگی و با تجدیدنظر در اشکالات ساختاری پژوهش‌ها و بویژه وارد شدن جدی روان‌شناسان به بحث دوزبانگی یافته‌های مثبت‌تری در این زمینه بدست آوردند. هرچند نتایج بسیاری از پژوهش‌ها، حاکی از اثرات مثبت دوزبانگی دوران کودکی در رشد توانایی‌های زبانی و غیرزبانی بوده است، اما همچنان نگرش‌های منفی نسبت به دوزبانگی به شکل گسترده‌ای در میان افراد جامعه، مربیان، معلمان و بالاخص سیاستگذاران آموزشی در ایران بچشم می‌خورد. چرا که در اکثر موارد ابعاد تحصیلی پیامدهای دوزبانگی به شکل ناقص مورد توجه قرار گرفته و به ابعاد شناختی و فرازبانی این پدیده کمتر توجه شده است، حال آنکه صدها پژوهش دلالت بر امتیاز شناختی دوزبان‌ها داشته است. جهان امروز به طور فزاینده‌ای در پی رشد دادن شهروندان در زمینه دو و چندزبانگی است. مفهوم کثرت‌گرایی زبان، هسته مرکزی خود را از ایده‌ای می‌گیرد که بنا بر آن شهروندان در هزاره سوم برای رسیدن به اهداف خود به گنجینه‌ای از زبان‌های مختلف نیازمندند و این کثرت‌گرایی زبانی ممکن است از طریق تحصیل، مطالعه شخصی، یا شرکت در جوامع وابسته به هم بدست آید. این در حالی است که حدود نیمی از جمعیت جهان و حدود نیمی از جمعیت دانش‌آموزی کشورمان دوزبان‌ها هستند.

کتاب سفید اتحادیه اروپا درباره آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۵ صریحاً اعلام کرده بود که یکی از اهداف آموزش و پرورش در کشورهای اتحادیه اروپا این است که همه شهروندان این کشورها باید قادر باشند به سه زبان تکلم کنند بنابراین آموختن دست‌کم دو زبان خارجی علاوه بر زبان مادری برای همه کودکان و نوجوانان لازم است. (گیدنز ترجمه چاوشیان ۱۳۸۹). از طرفی جهت حصول عدالت آموزشی در پیمان‌نامه حمایت از حقوق کودکان مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد که بیش از ۱۹ سال از پیوستن کشورمان به آن می‌گذرد در مواد مختلف بر لزوم توجه به زبان کودکان دوزبان‌ها تاکید شده است. همان‌گونه که اشاره شد تاکنون مدل‌های مختلفی باری آموزش زبان دوم از سوی طراحان آموزش دوزبانگی عرضه شده است که به آنها اشاره می‌شود:



شکل ۱. مدل‌های آموزش زبان دوم مطرح شده از سوی طراحان آموزش دوزبانگی

۱. انتقالی (گذرا). در آموزش دوزبانه انتقالی فقط زبان مادری دانش آموز تا زمانی که او در زبان اکثریت تسلط پیدا کند، در آموزش کاربرد دارد. در این برنامه آموزش از زبان مادری کودک شروع می‌شود و در خروج زود هنگام دانش آموزان تا پایان دوم ابتدایی به زبان مادری درس می‌خوانند، در خروج دیر هنگام تا پایان دوره ابتدایی ۴۰٪ دروس را به زبان مادری می‌خوانند. آموزش دوزبانه انتقالی دانش آموزان را به طور موقت برای شنا کردن در یک استخر کوچک (زبان مادری) آماده می‌کند تا موقعی که توان شنا کردن در رودخانه (زبان اکثریت) را پیدا کنند. هدف گذر از زبان مادری دانش آموز به زبان رسمی تدریس است تا ادغام سریع و هرچه بیشتر زبانی حاصل شود. این شیوه نحوه یادگیری زبان اکثریت را در دانش آموزان اقلیت تسهیل می‌کند که در آن از معلمان دوزبانه استفاده می‌شود، ماحصل نهایی انتظار بهبود افت تحصیلی اقلیت زبانی است. این آموزش بر اساس برتری زبان اکثریت بر اقلیت است که تلاش می‌کند زبان اکثریت را به دانش آموزان بخوبی یاد دهد و تک‌زبانگی را ارج می‌نهد و از آن حمایت

می‌کند و از زبان مادری برای تسریع آموزش زبان مدرسه استفاده می‌کند. مانند آمریکا و کانادا

۲. غوطه ورسازی. برنامه آموزش دوزبانه غوطه ورسازی بر استفاده انحصاری از زبان دوم تاکید می‌کند که در آن کودکان اکثریت زبانی، منحصراً، در زبانی که می‌خواهند آن را فرا گیرند تدریس می‌شوند. در این برنامه معلم با زبان تدریس در کلاس صحبت می‌کند. برنامه غوطه ورسازی به مانند آن است که یک دانش آموز اقلیت زبانی در قسمت عمیق یک استخر انداخته شود و انتظار می‌رود که در کمترین زمان و بدون کمک مربی یاد بگیرد. هم از معلم و هم از دانش آموزان انتظار می‌رود که تنها زبان اکثریت را در کلاس درس استفاده کنند نه زبان خانه را. دانش آموزان به همراه سخنوران مسلط به زبان اکثریت آموزش می‌بینند در این وضعیت یا غرق خواهند شد یا به تقلا و دست و پا زدن خواهند پرداخت یا شنا خواهند کرد. در این برنامه، دانش آموزان یکسال با زبان دوم غوطه ور می‌شوند، در سال دوم زبان خانگی کودکان اغلب در توسعه سواد استفاده می‌شود، در سال سوم نصف درس‌ها به زبان دوم و بقیه به زبان خانگی تدریس می‌شود بنابراین معلمان این شیوه باید دوزبانه باشند. فلسفه این شیوه این است که زبانها در موقعیتهای ارتباطی واقعی بهتر آموخته می‌شوند تا در موقعیتی که زبان به عنوان زبان خارجی تدریس می‌شود. مانند ایالت کبک کانادا

۳. دو سویه. آموزش دو سویه که غوطه ورسازی دوسویه نیز نامیده می‌شود از نوع دوزبانه افزایشی است که در آن هر دو زبان مورد حمایت قرار می‌گیرند، یعنی نصف برنامه‌های آموزشی به زبان مادری دانش آموز و در نیم دیگر مفاهیمی که به زبان مادری ارائه شده‌اند به زبان تدریس بازگو می‌شوند. در این روش زبان مادری دانش آموز و زبان رسمی در تعامل کامل مورد حمایت قرار می‌گیرد و درک کامل تعامل بین فرهنگی و فرصت‌های آموزشی برابر صورت می‌گیرد؛ در این صورت یادگیری زبان مادری مانعی برای یادگیری زبان دوم و پیشرفت تحصیلی ایجاد نمی‌کند برعکس دانش آموزان در هر دو زبان مهارت علمی بالایی به دست می‌آورند. در این شیوه علاوه بر رشد زبان مادری با اضافه کردن زبان دیگری دانش آموزان عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. این برنامه بر اساس تئوری یادگیری زبان دوم است که تعامل گویشگران بومی و غیر بومی را لازمه یادگیری زبان دوم می‌داند. مانند آمریکا

۴. نگهداشت. برنامه‌های دوزبانه نگهداشت شامل برنامه‌های آموزشی برای اقلیت‌های زبانی است که می‌خواهند زبانشان حفظ شود در عین اینکه مهارت در زبان مدرسه را می‌خواهند توسعه بخشند. و آن کاربرد زبان خانه کودک وقتی که وارد مدرسه می‌شود اما تغییر تدریجی آن به استفاده از زبان مدرسه برای برخی از درس‌ها و زبان خانه برای تدریس درس‌های دیگر. مانند یونان که برای مسلمانان و ترک‌ها مدارس دایر می‌کند که در آنها ریاضی، فیزیک، شیمی، قرآن کریم، هنر و تربیت بدنی به زبان ترکی و تاریخ، جغرافی، و مطالعات منطقه‌ای به زبان یونانی تدریس می‌شود. البته مدارس در انتخاب چگونگی ترتیب زبان‌ها و تعداد معلمان برای هر زبان صاحب اختیارند. در این برنامه فراگیران معمولاً دارای زمینه زبانی یکسانی هستند، آنان بیشتر برنامه‌های درسی را از طریق زبان بومی‌شان یاد می‌گیرند. هدف این برنامه توسعه مهارت زبان دوم و مهارت تحصیل در زبان بومی است. مانند آمریکا، دانمارک، یونان

۵. پرستیژ. در برنامه‌های آموزشی دو زبانه پرستیژ یا باعتبار کودکان از طریق دوزبان و در اکثر موارد بوسیله دو معلم که زبانها را جداگانه تدریس می‌کنند آموزش داده می‌شوند. مجیا (۲۰۰۲) این برنامه را آموزش دوزبانه نخبگان یا سرآمدان می‌نامد. در سراسر جهان سخنوران اکثریت زبانی، که می‌خواهند کودکانشان دوزبانه شوند، اینگونه برنامه‌های آموزشی را سازمان دهی می‌کنند، و اغلب فعالیتهای آموزشی خارج از سیستم همگانی آموزش و پرورش انجام می‌گیرد و اساساً این مؤسسات با شهریه والدین اداره می‌شوند. معمولاً زبانها بطور مشخص بوسیله معلم و طبق خواسته‌های دانش آموزان جدا می‌شوند. در این برنامه تاکید بر زبانی است که کودکان یاد می‌گیرند تا بتواند آنان را از گروه زبان شناختی خودشان متمایز سازد. در مدارس بین المللی و مدارس خصوصی از این روش بهره می‌برند.

۶. تجدید حیات غوطه ورسازی. این برنامه از برنامه غوطه ورسازی اقتباس گردیده و در کشور نیوزلند برای تجدید حیات زبان اجدادی مائوری و در امریکا برای تجدید حیات زبان بومیان هاوایی و در نروژ، فنلاند، سوئد و روسیه برای تجدید حیات زبان سامیس و جوامع سرخ پوست مورد اجرا قرار گرفته است. که در آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا پنجم ابتدایی را به زبان خانه و بعد از آن زبان تدریس رسمی به عنوان یک موضوع درسی شروع می‌شود. بخاطر اینکه هدف این برنامه تجدید حیات زبان

اجدادی است آن را غوطه ورسازی زبانی میراث نیز می‌نامند. استفاده از این برنامه در سطوح ابتدایی آسانتر از سطوح بالاتر است. مانند آمریکا، نیوزیلند، نروژ، فنلاند ۷. رشدی. برنامه آموزشی دوزبانه رشدی دوزبانگی را تشویق می‌کند. برعکس روش نگهداشت که از دیدگاه تک‌گوشی حمایت می‌کند این برنامه به دنبال برابری زبانهاست. در این برنامه کودکان نه تنها در زبان مادری‌شان بلکه در زبان غالب هم تسلط پیدا می‌کنند. گروه‌های اقلیت زبانی به اندازه کافی حمایت‌های لازم را برای تقویت زبانشان از دولت دریافت می‌کنند. این برنامه برای گروه‌های غیرفعال زبانی است که تلاش می‌کنند زبان اقلیت خودشان را توسعه دهند البته این زبانها در معرض خطر فراموشی نیستند تا به برنامه‌های تجدید حیات نیاز داشته باشند.

۸. آموزش زبان مبتنی بر محتوا (CL). این روش یعنی یادگیری توأمان زبان و محتوا از پیش دبستانی آغاز می‌گردد. این برنامه زمان برابر برای دو زبان قائل نیست بلکه زمان بر اساس نیاز تعیین می‌گردد. در این برنامه تلاش می‌گردد با تدریس یک یا دومورد از موضوعات آموزشی، کودکان را دوزبانه کنند.

این برنامه برخلاف غوطه ورسازی می‌تواند برای تمام جمعیت شهروندی بکار رود مانند برنامه زبانی اتحادیه اروپا که در آن تمام دانش آموزان در آینده نزدیک باید علاوه بر زبان مادری‌شان به دو زبان دیگر هم مسلط شوند. این برنامه به چندگرای زبانی کمک می‌کند و انعطاف پذیری لازم را برای درک مفهوم دوزبانگی به وجود می‌آورد. در اصل این شیوه هم دوزبانگی را تشویق می‌کند. مانند کشورهای اتحادیه اروپا.

۹. چندزبانه. برنامه چندزبانه همیشه حداقل با سه زبان یا گروه اجرا می‌شود. بدین شکل که از زبان محلی در مدارس استفاده می‌شود، اما زبان رسمی برای تدریس اکثر دروس مانند علوم اجتماعی، هنر، تربیت بدنی، و اقتصاد همچنین زبان سومی مثلاً انگلیسی برای تدریس دروسی مثل تکنولوژی و علوم کاربرد دارد. بعضی اوقات ممکن است زبان‌های مختلف در برنامه آموزشی استفاده شوند و در زمانهای دیگر جایگزین زبانهای دیگر شوند. در این روش به سه زبان، محلی، ملی و بین‌المللی تدریس شده و چندزبانگی تشویق می‌شود. مانند کشور هند. در این میان سه روش تعلیم و تربیت دوزبانه یعنی روشهای ۱. دوسویه ۲. غوطه‌ورسازی و انتقالی رایج‌ترین و پرکاربردترین مدل‌های مورد استفاده در دنیا هستند.

روش

این پژوهش از حیث هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌گردد. جامعه آماری پژوهش حاضر منابع مکتوب موجود در خصوص دوزبانگی است. ابزار اول مورد استفاده فیش برداری است. در این تحقیق برای جمع آوری داده‌های لازم از آن استفاده می‌شود، فیش‌ها و یادداشت‌های مکتوب جهت جمع آوری اطلاعات لازم از منابع مکتوب، مواد دیداری و شنیداری و نرم افزارهای رایانه‌ای فضای مجازی است. روش گردآوری اطلاعات مراجعه به منابع مکتوب و کتابخانه‌ای برای بهره‌مندی از آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران و محتوای متون مربوط به تعلیم و تربیت.

یافته‌ها

سؤال اول: مدل‌های آموزش دوزبانه دنیا کدامند؟

بر اساس یافته‌های این پژوهش تعلیم و تربیت دوزبانه در دنیا براساس ۹ مدل کلی به شرح زیر صورت می‌گیرد. ۱. انتقالی ۲. غوطه‌ورسازی ۳. دوسویه ۴. نگهداشت ۵. پرستیژ ۶. تجدیدحیات غوطه‌ورسازی ۷. رشدی ۸. آموزش زبان مبتنی بر محتوا ۹. چندزبانه. نتایج این تحقیق در خصوص انواع مدل‌های آموزش دوزبانه دنیا با تحقیقات قبلی از جمله مکی (۱۹۷۰) و مارتین-جونز (۲۰۰۱) و لیونگ (۲۰۰۵) (به نقل از کلاترتی ۱۳۸۸) و همچنین گارسیا و باکر (۲۰۰۶) (به نقل از واحدی ۱۳۸۸) همخوانی دارد. یافته‌های این پژوهش در زمینه‌های سیاست‌های برنامه‌تعلیم و تربیت دوزبانه در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بعضی از این مدل‌ها پرکاربرترند که بر این اساس سه مدل انتقالی، غوطه‌ورسازی و دوسویه در کشورهای مختلف بیشترین کاربرد را دارند. به عنوان مثال در آمریکای لاتین بیشتر بومیان کشورهای کلمبیا، بولیوی و گواتمالا از روش انتقالی استفاده می‌کنند. در گواتمالا که از ۱۲ میلیون نفر، ۵ میلیون به زبان میان صحبت می‌کنند، ۱۲۰۰ مدرسه ابتدایی برنامه آموزشی دوزبانه انتقالی را در این مناطق اجرا می‌کنند. آموزش دوزبانه در کشورهای افریقایی، چین و هلند هم بیشتر از نوع برنامه‌های آموزش دوزبانه انتقالی است که تلاشی برای کاهش افت تحصیلی دانش‌آموزان اقلیت زبانی به حساب می‌آید. در ایالت کبک کانادا روش غوطه‌ورسازی برای کودکان انگلیسی زبان به منظور آموزش زبان فرانسه که یکی دیگر از زبان‌های

رسمی آنجاست اجرا می‌شود. آموزش دوزبانه غوطه‌ورسازی از نوع دوزبانه افزایشی است، یعنی تلاش برای حفظ هر دو زبان انجام می‌گیرد. در اکثر کشورهای اروپایی از این روش استفاده می‌شود. بیشترین کاربرد روش دوسویه در ایالات متحده امریکا، کشورهای اروپایی، مالزی، شانگهای و چین است. نتایج این تحقیق در خصوص پرکاربردترین انواع مدل‌های آموزش دوزبانه دنیا با تحقیقات قبلی از جمله کولیر و توماس (۱۹۹۷)، لیندهلم و لیری (۲۰۰۰)، کلاود و همکاران (۲۰۰۰) و گارسیا و باکر (۲۰۰۶) (به نقل از واحدی ۱۳۸۸) و الانیس (۲۰۰۰) و کلانتری (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

سؤال دوم: درجه اعتبار پرکاربردترین روشهای آموزش دوزبانه دنیا کدامند؟
بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان ادعا کرد که سه روش غوطه‌ورسازی، دوسویه و انتقالی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان از اولویت یکسانی برخوردار نیستند. به عبارت دیگر روش دوسویه بالاترین رتبه را دارد و بعد از آن به ترتیب روشهای غوطه‌ورسازی و انتقالی قرار گرفته‌اند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که به علت عملکرد مثبت، روش دوسویه از اولویت بالاتری برخوردار است. نتایج پژوهش‌های فراوان انجام گرفته در کشورهای دیگر و پژوهش‌های اندک انجام شده در ایران با یافته‌های این تحقیق همخوانی دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش کلانتری (۱۳۸۸)، کرک سناک (۲۰۰۲)، هادی تباسان (۲۰۰۲)، کولیر و توماس (۲۰۰۱)، دی لانگ (۲۰۰۰)، کوی و لیتلند (۲۰۰۰)، لوسیدو و مک ایچرن (۲۰۰۰)، لیندهلم و لیری (۲۰۰۰)، الانیس (۲۰۰۰)، بکستون (۱۹۹۹)، کولیر و توماس (۱۹۹۷) و لیندهلم و فیرچایلد (۱۹۹۰) (به نقل از حمادی ۱۳۹۲) همخوانی دارد.

مهم‌ترین و رایج‌ترین روش‌های آموزش دوزبانه در دنیا روشهای تدریس دوسویه، غوطه‌ورسازی و انتقالی هستند. در مدل انتقالی، زبان اول کنار گذاشته می‌شود و زبان دوم جانشین آن می‌گردد، که این مطلب دلالت بر این دارد که زبان اول و دوم منزلت و ارزش یکسان ندارند. مسلم است که دانش‌آموزان در چنین شرایطی از لحاظ اعتماد به نفس، عزت نفس و... دچار مشکل شده و حتی در برقراری ارتباط با سایر افراد به ویژه با معلمان، به علت نداشتن شناخت با مشکل مواجه می‌گردند. در روش غوطه‌ورسازی بر یادگیری زبان دوم تاکید زیادی می‌شود، به عبارتی در این روش فقط به کسب زبان

دوم اهمیت داده می‌شود و به اینکه فرصتهایی برای موفقیت‌های تحصیلی ایجاد شود، هیچ اهمیتی نمی‌دهند. ملاک موفقیت دانش‌آموزان فقط کسب زبان دوم است نه یادگیری مباحث تحصیلی. همچنین دوزبان وسیله آموزش قرار نمی‌گیرند بلکه هدف آنها کسب زبان دوم است نه آموزش از طریق دو زبان. اما در روش دوسویه، به دلیل اینکه در آموزش از دوزبان استفاده می‌شود و دو زبان در آن بطور یکسان اهمیت دارند، دانش‌آموزان توانایی زبانی، تحصیلی و شناختی را به زبان اول کسب می‌کنند و سپس آن را به زبان دوم انتقال می‌دهند. بنابراین بین فواید شناختی و دوزبانگی کامل ارتباط مثبت وجود دارد. دوزبانگی افزایشی ارتباطی قوی با سطوح بالای توانایی در دو زبان، عزت نفس و نگرش مثبت بین‌فرهنگی دارد.

با توجه به مقایسه پرکاربردترین مدل‌های آموزشی دنیا و تأیید ارجحیت مدل دوسویه می‌توان گفت: با در نظر گرفتن مدل دوسویه و کاربرد آن می‌توان به کودکان اجازه داد تا مسیر طبیعی خود را طی نمایند و بسیاری از ارزش‌ها و باورهای مربوط به فرهنگ بومی خود را درونی نمایند؛ چرا که براساس نتایج پژوهش‌ها، کودکان مفاهیمی را که به زبان اولشان می‌آموزند می‌توانند به آسانی به زبان دوم منتقل نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

مدل‌های تعلیم و تربیت دوزبانه دنیا در ۹ مدل کلی ۱. انتقالی ۲. غوطه‌ورسازی ۳. دوسویه ۴. نگهداشت ۵. پرستیژ ۶. تجدیدحیات غوطه‌ورسازی ۷. رشدی ۸. آموزش زبان مبتنی بر محتوا و ۹. چندزبانه قرار می‌گیرند. رایج‌ترین و پرکاربردترین مدلها نیز سه مدل ۱. انتقالی ۲. غوطه‌ورسازی و ۳. دوسویه هستند. نتایج این تحقیق در خصوص انواع مدل‌های آموزش دوزبانه دنیا با تحقیقات قبلی از جمله مکی (۱۹۷۰) و مارتین-جونز (۲۰۰۱) و لیونگ (۲۰۰۵) (به نقل از کلانتری ۱۳۸۸) و همچنین گارسیا و باکر (۲۰۰۶) (به نقل از واحدی ۱۳۸۸) همخوانی دارد. نتایج این تحقیق در خصوص پرکاربردترین انواع مدل‌های آموزش دوزبانه دنیا با تحقیقات قبلی از جمله کولیر و توماس (۱۹۹۷)، لیندهلم و لیری (۲۰۰۰)، کلاود و همکاران (۲۰۰۰) و گارسیا و باکر (۲۰۰۶) (به نقل از واحدی ۱۳۸۸) و الانیس (۲۰۰۰) و کلانتری (۱۳۸۸) همخوانی دارد. با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش می‌توان به کودکان دوزبانه اجازه داد تا از

طریق یکی از مدل‌های مورد اتفاق و نظر برنامه‌ریزان آموزشی مسیر طبیعی خود را طی نمایند و بسیاری از ارزش‌ها و باورهای مربوط به فرهنگ خود را درونی کنند؛ چرا که بر اساس نتایج پژوهش‌ها، کودکان مفاهیمی را که به زبان اولشان می‌آموزند می‌توانند به آسانی به زبان دوم منتقل نمایند. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود: (۱) برای اجرای روش‌های آموزش دوزبانه تمهیداتی صورت گیرد تا در مناطق دوزبانه اجرا گردند. (۲) شیوه‌ای اتخاذ گردد تا زبان مادری در آموزش کودکان به کار گرفته شود. (۳) برنامه تربیت معلم برای تربیت معلمان دویاچند زبانه برنامه‌ریزی گردد. (۴) در مناطق دوزبانه از معلمان دوزبانه استفاده گردد.

منابع

- ایزدی، صمد (۱۳۸۸). مقایسه عملکرد دانش‌آموزان دوزبانه و تک‌زبانه در پایه دوم ابتدایی. مجموعه مقالات همایش ملی دوزبانگی و آموزش: چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش مرکز پژوهشی تعلیم و تربیت کاربردی تبریز.
- برک، لورا ای (۲۰۰۱). روان‌شناسی رشد: از لقاح تا کودکی. ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات ارسباران.
- فیاضی بارجینی، لیلا (۱۳۸۹). رابطه دوزبانگی و اختلال‌های گفتار و زبان. مجله تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ۱۰۲. صص ۶-۶۷.
- کلانتری، رضا (۱۳۹۰). لزوم طراحی برنامه درسی آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه با نیم‌نگاهی به سختی‌های آموزش فارسی به ترک‌زبانان. رشد آموزش ابتدایی. دوره ۱۴ شماره ۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- مدرس، سولماز (۱۳۸۸). عامل زبانی و میزان افت تحصیلی دانش‌آموزان دوزبانه. چکیده مقالات اولین همایش ملی دوزبانگی و آموزش. تهران: ناشر پژوهشگاه تعلیم و تربیت. واحدی، شهرام (۱۳۸۸). رویکردها و استراتژی‌های آموزشی دوزبانه و پیامدهای شناختی، عاطفی و اجتماعی آن. مجموعه مقالات همایش ملی دوزبانگی و آموزش: چالش‌ها، چشم‌اندازها و راهکارها. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش مرکز پژوهشی تعلیم و تربیت کاربردی تبریز.
- Aliabadi, Sh., Dortaj, F., Delavar, A., Saadipour, E. (2017). The study of relationship between bilingualism and private speech with English learning in elementary school students, Iranian journal of educational Sociology, 1(7), 50-59

- Baker, C. (2008). Foundations of Bilingual Education and Bilingualism. Clevedon Hall: Multilingual matterd.
- Baker, C. (2008). Foundations of Bilingual Education and Bilingualism. Clevedon Hall: Multilingual matterd.
- Garcia, O. (2009). Bilingual Education in the 21st Century A Global Perspective. Wiley Black well.
- Macleod, Andera A.N(2010). What is the Impact of Age of second language Acquisition on the production of consonants and vowels among childhood Bilinguals? International journal of Bilingualism, v
- Mejia, A.M. de(2002). Power, Prestige and Bilingualism. International Perspectives on Elite Bilingual Education. Multilingual Matters Ltd.